

گامی در جهت شناخت

(عج)

امام مهدی و نواب اربعه

(ویژه نوجوانان)

حمیدرضا کفاش



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گامی در جهت شناخت امام مهدی (عج) و نُوَابُ أَرْبَعَةِ آن حضرت

ویژه دانش آموزان (نوجوانان و جوانان)

حمیدرضا کفاش

نشر عابد

پاییز ۱۳۷۹

کفاش، حمید رضا، ۱۳۲۰ -

گامی در جهت شناخت امام مهدی (عج) و نواب اربعه / حمیدرضا کفاش. - تهران: نشر عابد، ۱۳۷۹.

۴۸ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

ISBN 964-90251-2-X: ۲۲۵۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

بالای عنوان: ویژه دانش آموزان (نوجوانان و جوانان).

این کتاب قبلاً تحت عنوان "گامی در جهت شناخت امام مهدی (عج) و نواب اربعه آن حضرت" توسط همین ناشر در سال ۱۳۷۸ چاپ شده است.

کتابنامه: ص. ۴۷.

۱. محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۲۵ ق. - ادبیات نوجوانان. ۲. نواب اربعه

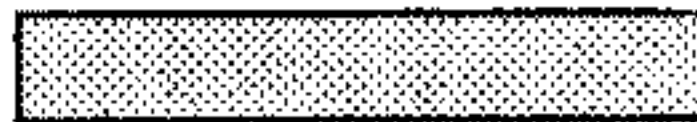
- ادبیات نوجوانان. الف. عنوان. ب. عنوان: گامی در جهت شناخت امام مهدی (عج) و نواب اربعه آن حضرت.

۱۳۷۹ [ج] ۲۹۷/۲۹۵

۱۴۶۳۷-۷۹ م

BP ۵۱/۳/۵۷۵۲

کتابخانه ملی ایران



نام کتاب گامی در جهت شناخت امام مهدی (عج) و نواب اربعه آن حضرت

مؤلف حمیدرضا کفاش

ناشر عابد

حروفچینی و صفحه آرایی مؤسسه پدیده ۸۸۳۴۳۰۴

لینوگرافی پرنگ

چاپ معاصر

صحافی فاروس

شمارگان ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ چهارم

تاریخ پاییز ۸۰

قیمت ۲۵۰ تومان

شابک ۹۶۴-۹۰۲۵۱-۲-X ISBN 964-90251-2-x

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

آدرس مرکز پخش: تهران - خیابان طالقانی - نبش ملک الشعراء بهار - ساختمان ایران بک -

طبقه سوم - نشر عابد تلفن: ۸۸۱۲۶۷۷-۸

آدرس پستی: تهران - صندوق پستی ۱۴۴۵۵-۶۷۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۷	مهدی ای نور
۹	شناسنامه امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۲	مهدی <small>علیه السلام</small> در قرآن
۱۶	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در روایات و احادیث
۱۶	الف - در روایات و احادیث اهل سنت
۱۷	ب - در روایات و احادیث شیعه
۲۰	فلسفه غیبت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۳	غیبت صغری
۲۴	غیبت کبری
۲۴	طول عمر امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۶	انتظار
۲۸	وظیفه انسان منتظر
۳۲	نَوَاب اربعه
۳۲	رابطان هدایت در عصر غیبت صغری

از تولد تا غیبت صغری	۳۴
عثمان بن سعید مورد اعتماد دو امام بزرگوار	۳۸
منابع و مأخذ	۴۷

مقدمه

گفتم که روی خویت از من چرا نهان است؟

گفتا: تو خود عجبایی، ورنه رُقم عیان است

«ملا محسن فیض کاشانی»

مهدی ای نور

ای فروزنده مهر الهی - ای جمال تابناک فورشید ولایت، ای روشنی
بفش گیتی تاریک - ای حرارت فریاد در سکوتِ ظلمانی شب.
ای که عشق تو، است قامتان حزب الله، را به قیام علیه جنایتکاران
می خواند.

ای که نام تو نابودی کفر را و وراثت مستضعفین ارض را تضمین نموده
است، ای که انتظار تو ایران زمین را کربلای دیگری نموده است.
ای شمس طالع و ای قمر منیر. ای برافرازنده پرچم حق و ای ناشر

تعالیم حقّ تعالی، ای عزیز دارنده دوستان و این ذلیل کننده دشمنان اسلام،
ای دلیل و ای برهان حقانیت تشیع علوی - ای امید انقلاب اسلامی ایران
- سنگر نشین جبهه‌های نور، رهبر معظم انقلاب اسلامیمان، سید و سالارمان را
تا ظهور موفور الشّوروت پشتیبان باش، رزمندگانمان را تا فتح قدس یاری
نما و... دل‌های فسته عاشقانت را به فیض ظهورت قوّت بخش و پشمانمان
را به نور جمالت منور ساز.

شناسنامه امام مهدی علیه السلام

الف - مهدی علیه السلام از ذریّه و خاندان پیامبر است همنام و هم کنیه پیامبر و شبیه‌ترین مردم به آن حضرت است، نام مقدس او محمد، کنیه‌اش ابوالقاسم و القابش، مهدی، حجت، قائم، صاحب‌الزمان و... می‌باشد.

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي أَسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا ظَلَمًا وَجَوْرًا.»

اگر از روزگار دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند بزرگ آن روز را طولانی می‌گرداند تا در آن روز خداوند ظهور مردی را مسجّل سازد که از خاندان من است نامش همنام من، (محمد). و کنیه‌اش هم کنیه من. (ابوالقاسم). تا عدل و داد را در زمین برقرار ساخته و ظلم و ستم را از بین ببرد.^۱

(از فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)

ب - حضرت مهدی علیه السلام در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در زمان حکومت غاصبانه حکمرانان عباسی در اختفاء و پنهانی در خانه امام حسن عسکری علیه السلام که در محاصره لشکریان کفر بود از مادری به نام نرجس خاتون زاده شد، علیرغم کنترل شدید دشمن مبنی بر کشتن آخرین ذخیره آسمان ولایت، حضرت دیده به جهان گشود تا تلاش مذبوحانه و مفتضحانه عباسیان بی‌ثمر شود و امام و امت او ویرانگر باطلها و تباهیها و مفسده‌ها باشند

که همینگونه هم شد.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر ۱۴۸ حدیث را نام می برد که مستقیماً در آنها ذکر اینکه امام مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است به میان آمده است.

محمد بن عثمان از پدرش نقل کرده که می گفت: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بودم که از وی سؤال شد راجع به حدیثی که از پدرانش نقل شده (تا قیامت زمین از حجت خالی نمی ماند و هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است) آن حضرت پاسخ داد: آری این موضوع همچون روز روشن و حق است. عرض شد:

یابن رسول الله بعد از شما حجت و امام کیست؟ فرمود: بعد از من فرزندانم، محمد حجت و امام است و هر کس بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا می رود. آگاه باشید که فرزندانم را غیبتی خواهد بود که جهانیان در آن زمان سرگردان شوند و اهل باطل هلاک می گردند و کسانی که وقت ظهورش را تعیین کنند دروغ می گویند بعد از آنکه مدت غیبتش پایان یافت؛ قیام می کند. گویا پرچمهای سفیدی را که در نجف بر سرش در اهتزاز است مشاهده می کنم.^۱

امام حسن عسکری علیه السلام تولد فرزندش مهدی علیه السلام را به عده ای از یارانش بشارت داده است از جمله به: فضل بن شاذان - احمد بن اسحق - احمد بن

حسن بن اسحق قمی - ابوجعفر عمروی و...^۱

ج - در سن ۵ سالگی یعنی سال ۲۶۰ هجری قمری پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام زعامت مسلمین را به دست می‌گیرد و غیبت صغرای آن حضرت آغاز می‌شود.

پیغمبر و امام از حیث آفرینش ممتاز هستند و به واسطه همین امتیاز معنوی است که آنها در اثر اطاعت خدا شایسته این مقام و مرتبت می‌شوند، امام نیز از حیث روح در مرتبه اعلائی انسانیت قرار دارد و لیاقت ارتباط با عوالم غیبی از همان اوان کودکی در او موجود است و هرگاه شرایط حکومت فرا رسد و مانعی در کار نباشد رسماً به این مقام و منصب معرفی و مأمور ابلاغ نفحات الهی و پاسدار دین و مروج احکام می‌شود.

حضرت عیسی علیه السلام نیز در کودکی سخن می‌گوید و اعلام رسالت می‌کند، حضرت امام جواد علیه السلام نیز در سن ۷ یا ۹ سالگی و امام علی النقی علیه السلام نیز رسالت امامت را بر دوش می‌کشند و این مسأله فقط منحصر به حضرت مهدی علیه السلام نمی‌باشد.

ابوبصیر گفت از امام پنجم یا ششم پرسیدم آیا می‌شود صاحب‌الامر مردی نابالغ باشد؟ فرمود: آری می‌شود. گفتم: او در آن سن چه می‌کند؟ جواب داد: خداوند علم و کتاب آسمانی را ارث به وی خواهد داد و او را حفظ می‌کند و به

خود وانمی گذارد.^۱

* امام پنجم علیه السلام فرمود: صاحب الامر امامی است که سنش موقع نیل به منصب امامت از همه ما کمتر و نامش مخفی تر باشد.^۲

* قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

«الْأَيُّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَالتَّاسِعُ

مَهْدِيهِمْ.»

امامان بعد از من دوازده نفرند نه نفر آنها از فرزندان حسین علیه السلام می باشند و نهمین آنها حضرت مهدی است.^۳

مهدی علیه السلام در قرآن

۱- «وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَّا

يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.»^۴

اگر عذاب را تا مدت معین به تأخیر بیندازیم با استهزاء خواهند گفت: چه چیز آنها را بازداشت، بدانید روزی که عذاب می آید از آنها برداشته نمی شود بلکه بر آنها فرود آمده و آنچه را استهزاء به آن می کردند خواهند دید.

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی آمده که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که در تأویل آیه شریفه (امه معدوده) فرموده اند منظور اصحاب

۱ و ۲- به نقل از غیبت نعمانی

۳- به نقل از منتخب الاثر

۴- سوره هود آیه ۸

قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که سیصد و سیزده نفر می باشند.

* در غیبت نعمانی آمده است از اسحق بن عبدالعزیز که امام صادق علیه السلام در ذیل آیه فوق فرموده اند این عذاب، قیام امام زمان و امت معدوده، یاران او هستند که برابر با سپاه اسلام در جنگ بدر یعنی ۳۱۳ تن می باشد.

۲- «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ

خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»^۱

کیست که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت می رساند و رنج و غم آنان را برطرف می سازد و شما مسلمانان را جانشینان اهل زمین قرار می دهد.

* از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است. به خدا قسم مضطر اوست که دو رکعت نماز در مقام ابراهیم بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و آنها را در زمین خلیفه خود گرداند.^۲

۳- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۳

اوست آنکه پیامبر خود را برای هدایت فرستاد تا دین حق را بر تمام ادیان غالب و پیروز گرداند اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند.

۱- سوره نمل، آیه ۶۲

۲- بحار الانوار - ج ۱۲، ص ۲۵۲

۳- سوره صف، آیه ۹

ابوبصیر نقل می‌کند از امام هشتم علیه السلام تأویل آیه را سؤال نمودم فرمودند: ^۱ هنوز موقع تأویل این آیه نرسیده است گفتم: قربانت گردم کی موقع آن می‌شود فرمود انشاءالله هنگامی که قائم قیام کند و چون قائم قیام کند هر جا کافر و مشرکی باشد ظهور او را ناخوش دارد تا جایی که اگر کافری در دل سنگی پنهان شود سنگ صدا می‌زند ای مؤمن، کافر یا مشرکی بر من پنهان شده او را بکش. خداوند او را بیرون می‌آورد و یاران قائم او را به قتل می‌رسانند.

۴- «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ

أَيِّمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» ^۲

و ما اراده کردیم که مستضعفین را وارث زمین قرار دهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که در تأویل این آیه فرموده‌اند اینان که در زمین ضعیف گشته‌اند آل پیغمبرند که خداوند مهدی آنها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند. ^۳

۵- «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي

أَرْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ

بِي شَيْئًا» ^۴

۱- به نقل از کمال‌الدین شیخ صدوق (ره)

۲- سوره قصص، آیه ۴

۳- بحار الانوار - ج ۱۲ - ص ۲۶۰

۴- سوره نور، آیه ۵۵

خداوند بزرگ وعده فرموده است به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل نیکو انجام می‌دهند که در زمین خلافتشان دهد چنانکه امت پیامبران گذشته را این چنین کرد و دین آنان را بر همه ادیان تمکن دهد و خوف و ترسشان را به امنیت کافی مبدل گرداند که خدای را به یگانگی و به دور از هر شرکی عبادت کنند.

* در غیبت نعمانی و در کنزالفوائد آمده است که این آیه نیز درباره حضرت مهدی موعود و یاران او نازل شده است.^۱

۱- آیات ذکر شده که همه حکایت از وجود مهدی موعود (ع) و قیام و انقلاب جهانی وی می‌باشد نمونه‌ای از آیات بسیاری است که در قرآن کریم اصالت مهدویت را اثبات می‌نماید. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه مطالعه تفاسیر مختلف پیرامون آیات ذیل را توصیه می‌کنیم. سوره بقره آیات ۶۰، ۱۲۴، ۱۴۸، ۱۵۵، ۲۶۱، ۲۸۵ سوره آل عمران آیات ۸۳، ۱۴۱، ۲۰۰ - سوره نساء آیات ۴۷، ۵۹، ۶۹، ۸۳، ۱۵۹ - سوره مائده آیات ۱۲، ۱۴، ۵۴ - سوره انعام آیات ۴۰، ۸۷، ۱۱۵، ۱۵۸ - سوره حج آیات ۷، ۵۵، ۶۰، ۷۷، ۷۸ - سوره اسراء آیات ۵-۶-۱۲-۳۳ سوره توبه آیات ۱۶، ۲۳، ۳۶ - سوره شوری آیات ۱، ۱۷، ۱۸، ۲۳ - سوره اعراف آیه ۴۸، ۱۷ - سوره انفال آیات ۳۹ - سوره یونس آیه ۲۰ - سوره یوسف آیه ۱۱۰ - سوره ابراهیم آیات ۵، ۲۴ - سوره نمل آیه ۸۲ - سوره روم آیه ۴ - سوره سجده آیات ۲۱-۲۹ - سوره احزاب آیه ۳۳ - سوره سبا آیات ۱۸، ۵۱، ۵۴ - سوره ص آیه ۷۹ - سوره زمر آیات ۵۶-۶۹ - سوره مؤمن آیه ۷، سوره فضیلت آیه ۵۳ - سوره زخرف آیات ۶۱-۶۶ - سوره جاثیه آیه ۱۴ - سوره محمد آیه ۱۸ - سوره فتح آیات ۲۵-۸ - سوره ق آیات ۲۱-۴۲ - سوره ذاریات آیه ۲۳ - سوره قمر آیه ۱ - سوره الرحمن آیه ۴۱ - سوره حدید آیه ۱۷ - سوره مجادله آیه ۲۲ - سوره صف آیه ۹ - سوره تغابن آیه ۸ - سوره جن آیه ۲۴ - سوره المدثر آیه ۸ - سوره عروج آیه ۱ - سوره تکویر آیه ۱۵.

حضرت مهدی (ع) در روایات و احادیث

الف - در روایات و احادیث اهل سنت:

- ۱- حافظ محمد بن یوسف شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان پایان باب ۲۰ می نویسد: همانا مهدی پسر امام حسن عسکری علیه السلام از زمان غیبت، تا کنون زنده و موجود و باقی است و بقای او به دلیل بقای حضرت عیسی علیه السلام، حضرت خضر علیه السلام و حضرت الیاس علیه السلام هیچگونه امتناعی ندارد.
 - ۲- از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که: «دنیا سپری نخواهد شد تا اینکه مردی از اهل بیت من که نام او همانام من است به حکومت برسد.^۱
 - ۳- علی بن ابیطالب علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: اگر از عالم جز روزی باقی نمانده باشد خداوند مردی از اهل بیت مرا برخواهد انگیخت تا دنیا را از عدل و داد پر کند چنانچه از ستم پر شده باشد.^۲
 - ۴- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (ص).»
- هرکس که خروج مهدی را انکار کند به آنچه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده کفر ورزیده است.^۳

۱- صحیح ترمذی جلد ۹ ص ۷۴ - ینابیع المودة جلد ۲ ص ۱۸۰ - نورالابصار ص ۱۷۱

مشکوٰة المصابیح ص ۲۷۰

۲- صحیح ابی داود جلد ۲ ص ۲۰۷ - فصول المهمة صفحه ۲۷ - نورالابصار ص ۲۰۷.

۳- ینابیع المودة، شیخ سلیمان ص ۴۴۷

۵- ابوداود در کتاب سنن خود از سعید بن مصیب بیان کرده که: امّ سلمه گفت: از پیغمبر ﷺ شنیدم که می فرمود: مهدی ﷺ از عترت من و از فرزندان فاطمه (س) است.

در کتاب سنن ابن ماجه - الاربعین - الفصول المهمّه - صحیح مسلم - صحیح ترمذی و دیگر منابع سنت روایات بسیاری در مورد امام زمان ﷺ نقل شده است.

ب - در روایات و احادیث شیعه

۱- امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: چون اوضاع دنیا به آنجا رسد (ظلم و ستم) آقای بزرگوار ظاهر شود و حکومت کند، یاران وی از هر طرف چون پاره های ابر که در فصل پاییز جمع شده به هم می پیوندند و به دور او گرد آیند و پیروانش بر دین حق پایدار باشند.^۱

۲- شیخ صدوق در کمال الدین، در هنگامه صلح امام حسن ﷺ خبری را نقل می کند که در قسمتی از آن آمده است:

«... قائم، که عیسی روح الله ﷺ پشت سر او نماز می گزارد و خداوند ولادتش را از مردم پوشیده می دارد، خود وی نیز از نظرها پنهان خواهد شد تا چون ظهور کند بیعت هیچکس بر گردن وی نباشد.»

۳- شیخ صدوق در کمال الدین به نقل از عبدالله زبیر می نویسد: که امام

حسین علیه السلام فرمود: قائم این امت نهمین فرزند من است و هم اوست که از نظرها غایب شود و در حال حیاتش ارثش را تقسیم می‌کنند.

۴- شیخ صدوق در کمال‌الدین به نقل از سعید بن جبیر می‌نویسد که امام زین‌العابدین علیه السلام فرمود: قائم ما و ولادتش بر مردم پوشیده می‌ماند تا جایی که می‌گویند هنوز متولد نشده است.

۵- ابو حمزه ثمالی نقل می‌کند روزی در خدمت حضرت امام محمدباقر علیه السلام چون مجلس خلوت شد حضرت فرمودند: ای ابو حمزه یکی از اموری که حتماً تحقق می‌یابد و با قلم قضا نوشته شده است قیام قائم ماست هر کس در آنچه می‌گویم شک کند کافر از دنیا می‌رود.^۱

۶- شیخ صدوق در کمال‌الدین می‌نویسد: امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که سه اسم متوالی در میان ما ائمه پیدا شود (محمد و علی و حسن) چهارمی آنها قائم است.

۷- شیخ صدوق در کمال‌الدین می‌نویسد: یونس بن عبدالرحمن گوید: کسی از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام پرسید: آن که قیام به حق کند شما هستید؟ فرمود: من برای ترویج حق قیام کردم ولی آن قائم که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می‌گرداند و پر از عدل و داد می‌کند فرزند پنجم من است.

۸- شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع و عیون اخبار الرضا به نقل از حسن

۱- به نقل از غیبت نعمانی و غیبت شیخ مفید

بن فضال می‌نویسد که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: گویا شیعه را در موقع از دست دادن سومین امام از فرزندانم می‌بینم که از هر سو او را جستجو کنند نیابند. عرض کردم یا بن رسول‌الله برای چه؟ فرمود برای اینکه امام آنها غایب می‌گردد.

۹- شیخ صدوق در کمال‌الدین به نقل از حضرت عبدالعظیم می‌نویسد: امام محمد تقی علیه السلام فرمود: قائم ما همان مهدی است که باید شیعیانش منتظر او باشند و در موقع ظهورش فرمانبرداری او کنند او فرزند سومی من است به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری و ما را به امامت برگزیده است قسم یاد می‌کنم که اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد خداوند آن روز را چندان دراز گرداند تا او ظهور کند و زمین را پر از عدل و داد نماید چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.

۱۰- امام علی‌النقی علیه السلام فرمود: بعد از من فرزندم حسن امام است و بعد از حسن فرزندش همان قائمی است که عدل و دادش تمام زمین را فراگیرد.^۱

۱۱- شیخ طوسی در کتاب غیبت می‌نویسد:

احمد بن اسحاق قمی از امام حسن عسکری علیه السلام در خصوص حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام سؤال کرد (با توجه به تحت نظر بودن امام عسکری علیه السلام از طرف حکومت غاصب وقت)، حضرت با اشاره دست به وی فهماند که او زنده و سالم است.

فلسفه غیبت امام مهدی علیه السلام

غیبت یعنی نهان، پشت پرده، یعنی آن چیزهایی که از حواس ظاهری ما نهان است و پشت محسوسات واقع شده است.

«وَ عِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ.»^۱

کلیدهای غیب نزد خداست و جز او کسی از آنها آگاه نیست.

قرآن مجید در ابتدای سوره بقره، ایمان به غیب را از ویژگیهای مهم مؤمنین به شمار می آورد.

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ.» شیخ صدوق در کمال الدین از حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه نقل می کند آنها که ایمان به غیب می آورند کسانی هستند که اعتقاد به قیام آل محمد صلوات الله علیهم دارند.

ایمان به چنین هستی در محدوده حیوانیت انسان نمی باشد. بلکه یک پیوند و اتصال معنوی است که تنها روح الهی انسان متقی می تواند آن را هضم نماید. ادیان آسمانی شرط قبول اعمال صالحه را ایمان به غیب می دانند. اعتقاد به غیبت مهدی موعود نیز از این مقوله می باشد.

استفاده از وجود امام زمان علیه السلام در هنگام غیبت همانند استفاده از خورشید پس ابر می باشد که هر چند اثری از آن مشهود نیست لیکن وجود آن نمی تواند قابل انکار باشد.

حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و نایب بر حق

حضرت امام مهدی علیه السلام در رابطه با غیبت اینگونه می فرماید: قضیه غیبت حضرت صاحب قضیه مهمی است که به ما مسائلی را می فهماند. من جمله اینکه برای یک همچون کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا و کسی در تمام بشر نبود الا مهدی موعود سلام الله علیه که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر.

ایمان به غیب، قبول این باور است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار همگی از موعود جهانی، حضرت بقیه الله الاعظم خبر داده اند.

قَالَ الصَّادِقُ (ع): «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ كَيْمًا إِنْ زَادَ

الْمُؤْمِنُونَ شَيْئًا رَدَّهْمُ وَإِنْ نَقَصُوا شَيْئًا أَتَمَّهُ لَهُمْ»^۱

همانا زمین در هیچ حالی از امام خالی نگردد برای آنکه اگر مؤمنین چیزی به دین افزودند آنها را برگرداند و اگر چیزی کم کردند برای آنها تکمیل کند. پیغمبر فرمود: سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت: قائم فرزندان من بر طبق عهدی که به او می رسد غایب می شود به طوری که بیشتر مردم خواهند گفت خدا به آل محمد صلی الله علیه و آله احتیاجی ندارد و دیگران در اصل تولدش شک می کنند پس هر کس زمان غیبت را ادراک نمود باید دینش را نگهداری کند و شیطان را از طریق شک به خود راه ندهد مبادا که او را از ملت من بلغزاند و از دین خارج سازد چنانکه قبلاً پدر و مادر شما را از بهشت

بیرون کرد خدا شیطان را دوست و فرمانروای کفار قرار داده است.^۱

نعمانی در کتاب غیبت از ابوخالد کابلی نقل می‌کند: از حضرت امام محمد باقر علیه السلام خواستم که قائم را نام ببرد تا او را بشناسیم. فرمود: ای ابوخالد چیزی از من پرسیدی که اگر مطلع شوند او را قطعه قطعه خواهند کرد.

و اما برای غیبت امام زمان سه حکمت و فایده نقل شده است: اول اینکه غیبت طولانی امام زمان باعث امتحان و آزمایش مسلمین است.

علامه مجلسی در بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۱۳ از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: هنگامی که پنجمین فرزند امام هفتم غایب شد مواظب دین خود باشید مبادا کسی شما را از دین خارج کند. دوم اینکه حجت خدا بایستی در زمین همیشه باقی باشد. حکومت جبار عباسی قصد کشتن امام زمان را داشت و امام مهدی نه از روی ترس بلکه از روی مصلحت به اذن خدای بزرگ غایب گردید. سوم اینکه غیبت امام زمان به مسلمین جهان می‌گوید که هیچگونه بیعتی با کفار و مشرکین معنا ندارد.

نعمانی در کتاب غیبت از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا طَوِيلَةٌ وَالْآخَرَى قَصِيرَةٌ.»

غیبت صغری

امام مهدی علیه السلام هنگام وفات پدرش امام حسن عسکری علیه السلام (یعنی سال ۲۶۰ هجری قمری) از دیده‌ها پنهان شد و این غیبت تا سال ۳۲۹ هجری قمری ادامه پیدا کرد که به آن غیبت صغری می‌گویند. در این زمان توده مردم از ملاقات امامشان محروم بودند و عده معدودی که نایب او نامیده می‌شوند با امام در تماس بودند و مشکلات و حوایج مردم را حل می‌کردند. تقاضای کتبی مردم توسط خود امام پاسخ داده می‌شد که اصطلاحاً به آن توقیع می‌گویند.

در این مدت (۶۹ سال) نواب خاصه حضرت را چهار نفر معرفی نموده‌اند که به ترتیب عبارتند از: ۱- عثمان بن سعید ۲- محمد بن عثمان ۳- حسین بن روح نوبختی ۴- علی بن محمد سیمری^۱

در سال ۳۲۹ باب غیبت صغری بسته شد و غیبت کبرای امام زمان آغاز گشت حسن بن احمد می‌گوید: چند روز قبل از وفات علی بن محمد سیمری خدمتش حاضر بودم نامه‌ای از ناحیه مقدسه صادر شده بود که برای مردم قرائت کرد بدین مضمون:

ای علی بن محمد سیمری خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو بزرگ گرداند زیرا تا ۶ روز دیگر اجلت خواهد رسید. کارهایت را جمع و جور کن لیکن کسی را جانشین قرار مده زیرا بعد از این، غیبت کامل واقع خواهد شد که

برخی ادعای رؤیت نمایند لیکن آگاه باشید که: پیش از خروج سفیانی از صحیفه آسمانی هر کس ادعای رؤیت کند دروغگوست.^۱

غیبت کبری

از سال ۳۲۹ هجری قمری ارتباط غیرمستقیم امام مهدی علیه السلام نیز قطع شد و دوران آزمایش شیعه آغاز گشت، او نظاره گر احوال شیعیانش است در حالی که شیعیان او را نمی بینند، خداوند بزرگ آنقدر او را در پس پرده غیبت نگه دارد تا اینکه مسلمین حرکتی عظیم را آغاز نمایند و علیه متجاوزین و دشمنان دین پیاخیزند.

در اثبات الوصیه صفحه ۲۰۶ از امیرالمؤمنین روایت شده است که درباره هجرت قائم فرمود غیبتش به قدری طولانی می شود. که شخص جاهل می گوید: خدا به اهل بیت پیغمبر احتیاج ندارد.

نیابت عامه امام زمان علیه السلام در زمان غیبت کبرای وی به عهده مجتهد جامع الشرایط آگاه به زمان، مدبر و سیاستمدار، مخالف هوی و هوس می باشد.

طول عمر امام مهدی علیه السلام

حضرت امام سجاده علیه السلام می فرماید:

«فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهُوَ طَوْلُ الْعُمَرِ.»

یکی از خصایص نوح در قائم وقوع خواهد یافت و آن طول عمرش می باشد.^۱

۱- دیرزیستی تنها مختص به امام مهدی علیه السلام نیست. مثلاً حضرت آدم علیه السلام ۹۳۰ سال و حضرت لوط علیه السلام ۷۳۲ سال عمر نمودند، حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال فقط تبلیغ نمودند، حضرت خضر علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام هنوز زنده اند، خواب اصحاب کهف ۳۰۰ سال طول کشید و...

۲- عمر انسان حد و مرز معینی ندارد که بیشتر از آن غیر ممکن باشد، آزمایشات دانشمندان نشان داده است که مرگ نیز مانند سایر بیماری‌ها معلول علتی و یا عللی می باشد که اگر پس از شناخت کامل از آنها جلوگیری شود می توان آن را به تأخیر انداخت.

۳- در روایات داریم که زمین هیچگاه از حجت خالی نمی ماند از طرفی مقدر شده است که ائمه ۱۲ تن باشند لذا دیرزیستی و طول عمر امام مهدی امری الهی و مقدر است.^۲

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷

۲- در بحار الانوار از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است.

بعد از فرزندان قائم است، اوست که دو سنت پیغمبران که عمر دراز و غیبت است، در مورد وی اجرا خواهد شد. از بس غیبت طولانی می شود دلها سخت و تاریک می گردند. در ایمان و عقیده به آن جناب فقط کسانی پایدار خواهند ماند که خدا ایمان را در دلشان استوار نماید و به روح غیبی تأییدشان کند.

انتظار

«قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصُّرَاطِ السَّوِيَّةِ
وَمَنْ اهْتَدَى»^۱

بگو هر کس منتظر است، پس انتظار بکشید، زود باشد که بدانید راه راست پویان و کسانی که هدایت یافتند کیانند.

انتظار به معنای آمادگی کامل برای جانبازی در رکاب امام زمان (عج) و تهیه مقدمات انقلاب جهانی مهدی موعود (عج) می باشد، انتظار او مکتب اصلاح و تربیت است، انتظار امید می بخشد، روحیه یأس را از جان آدمی می زداید و روح تلاش و مبارزه، خودسازی و فداکاری در انسان می دمد. حرکت و انتظار در کنار هم و با هم می باشند، اگر بشر امیدی به آینده نداشته باشد نمی تواند حرکت کند. این انتظار مثبت بود که علیرغم فشارها و تجاوزها و شکنجه ها مسلمانان را در میدانهای نبرد نابرابر فاتح و سربلند ساخت، در ایران اسلامی انتظار حکومت اسلام بود که در مردم حرکت ایجاد کرد، مردم برخاستند و به امید حکومتی قرآنی انقلاب نمودند و پیروز شدند و امروز نیز انتظار قیام جهانی امام مهدی (عج) در توده مستضعف دنیا تحرکی نوین ایجاد کرده است و می روند که با این انتظار سازنده ابرقدرتان جنایتکار را به زانو بنشانند.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۲

بهترین عبادات انتظار فرج (منتظر ظهور امام زمان بودن) است.

۱- سوره طه، آیه ۱۲۵

۲- به نقل از منتخب الاثر

انتظار در مکتب اسلام شخص را متعهد و مسئول می‌سازد که برای تحقق هدفهای اسلام و عملی شدن برنامه‌های دین بدون هیچ یأس، ضعف و سستی و نومیدی شب و روزکوشش نماید.

انتظار دو گونه است: انتظار منفی - انتظار مثبت

انتظار مثبت عامل خوشبینی به جهان خلقت و حرکت آفرینی است. انتظار مثبت ایمان به پیروزی و اجرای عدالت، نابودی حتمی ظلم و ستم و نفی ارزشهای طاغوتی و نه گفتن به آنچه ضد توحید است.

«مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ فَهَذَا الْأَمْرُ كَمَنْ مَعَ الْقَائِمِ فِي قُسْطَاطِهِ
قَالَ: ثُمَّ مَكَتَ هَنِيئًا ثُمَّ قَالَ بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ ثُمَّ قَالَ لَا وَاللَّهِ
الْأَكْمَنُ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ.»^۱

کسانی که در انتظار دولت قائم درگذرند چون آنانند که در خدمت قائم باشند. آنگاه پس از درنگ مختصری فرمودند بلکه چون آنانند که در رکاب مهدی شمشیر زده باشند و سپس دنبال تأملی دیگر فرمود: به خدا سوگند اینان چون آن کسانی که در خدمت پیامبر ﷺ به شهادت رسیده باشند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ
مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنَّ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنْ

الْأَجْرِ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَأَنْتَظِرُوا هَنِئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ
الْمَرْحُومَةُ»^۱

هر که شور یاوری قائم دارد باید انتظار کشیده و در حالت انتظار پرهیزکارانه عمل کند و رفتار شایسته و نیکو پیش گیرد این چنین کسی اگر هم مرگ را در آغوش کشد و قائم پس از مرگش قیام نماید پاداشی همچون یاران و یاوران حضرت خواهد داشت پس بکوشید و منتظر باشید و این کوشش و انتظار گوارایتان باد ای گروه آمرزیده.

انتظار شیعه انتظاری است محرک و توان بخش و همین انتظار است که شیعه را ۱۴۰۰ سال زنده و موفق نگاه داشته و سراسر تاریخ او را افتخار آفرین نموده است.

«الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲

آن کسی که منتظر امر ماست همانند کسی است که در راه خدا در خون خویش غوطه ور باشد.

وظیفه انسان منتظر

۱- امام زمانش را بشناسند.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً
الْجَاهِلِيَّةِ»

۱- به نقل از غیبت نعمانی، صفحه ۱۰۶

۲- به نقل از کمال الدین، شیخ صدوق

هر کس از دنیا برود و امام زمانش را نشناسد مانند کسی است که در دوران جاهلیت مرده باشد.

۲- اطاعت و پیروی از امام بنماید.

«قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا».

کسی که ما را دوست می‌دارد بایستی عمل ما را الگو قرار دهد.

۳- در خط ولایت فقیه حرکت کند. (در زمان غیبت کبری)

«قَالَ الصَّادِقُ (ع): وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا

لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ».

۴- فقط از طریق ائمه کسب فیض نمایند.

«نَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَنَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَوَحْيِ اللَّهِ وَنَحْنُ الْحُجَّةُ

الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَمَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ»^۱

حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

ما خزانه‌دار علم خداییم، ما مترجم وحی خداییم، ما حجت رساییم بر هر

که در زیر آسمان و روی زمین است.

«قَالَ الصَّادِقُ (ع): نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَنَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ»^۲

ماییم راسخون در علم و ما تأویل قرآن را می‌دانیم.

۵- همیشه فرج امام مهدی علیه السلام را از خدا می‌خواهد.

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي

۱- اصول کافی، جلد ۱، باب الحجة ص ۲۷۴

۲- اصول کافی، جلد ۱، باب الحجة

هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ السَّاعَةِ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا

وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.»

بارالها در این هنگامه و در تمام اوقات برای ولایت حضرت حجة بن الحسن که درود تو بر او و پدران او و پسران او و نگهبانان او و رهبر و یاور و راهنما و نگهبان باش تا گیتی را به فرمان او درآوری و او را مدتی طولانی در زمین برخوردار گردانی.

علاوه بر اینها که گفته شد منتظر، بایستی از نظر اعتقادی خود را بسازد و طرز استفاده از سلاحهای مدرن زمان را یاد بگیرد تا بر علیه دشمنان اسلام بکار برده، آمادگی کامل رزمی پیدا کند، با منکران مبارزه جدی را آغاز نموده و نام مقدس حضرت مهدی عجل الله فرجه و عشق و شناخت او را تبلیغ نماید. احکام اسلام را موبه مو اجرا نماید صدقه بدهد، از مستضعفین با تمامی امکاناتش پشتیبانی نماید، و انتظار کشد... بداند و بداند...

«آنانکه در انتظار ظهور مصلحند خود باید صالح شوند.»

و ما که اینک منتظریم وظیفه مان چیست؟

«وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ

عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكَمْ وَصِيَّتُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.»^۱

و این است راه راست از آن پیروی کنید و از راههای دیگر که موجب تفرقه و پریشانی شما است جز از راه خدا متابعت نکنید این است سفارش خدا به

شما، باشد که پرهیزکار شوید.

«وَمَا أَتِيكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا.»^۱

و شما آنچه را که رسول حق دستور دهد بگیرید و هر چه را نهی کند واگذارید.

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ.»^۲

از خدا و پیامبر و پیشوایان دین اطاعت و پیروی کنید.

ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور فراهم شود.

حضرت امام خمینی (ره)

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است.

حضرت امام خمینی (ره)

امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل شود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر سلام الله علیه است.

حضرت امام خمینی (ره)

۱- سوره حشر، آیه ۵۷

۲- سوره نساء، آیه ۵۹

نواب اربعه

رابطان هدایت در عصر غیبت صغری

هدایت انسان از خود به سوی خداوند متعال، رکن اساسی تمام ادیان الهی است و پیامبران (تشریحی، تبلیغی) دربرگیرندهٔ جمیع جهات هدایت در جهان مادی برای انسانها می‌باشند. تا زمان ظهور دین مبین اسلام، مسأله مهم هدایت انسانها از پیامبری به پیامبر دیگر واگذار می‌گردید (مانند حضرت یعقوب علیه السلام، حضرت یوسف علیه السلام، حضرت طالوت علیه السلام و حضرت داود علیه السلام) چرا که زمینه لازم برای ابلاغ کاملترین دین جهانی آماده نگردیده بود و هنگامی که زمینه‌های فکری و روحی برای پذیرش و نگهداری آخرین و کاملترین دین در میان انسانها بوجود آمد؛ حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله به پیامبری اسلام مبعوث گردید.

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ

النَّبِيِّينَ»^۱

حضرت محمد صلی الله علیه و آله پدر هیچیک از مردان شما نمی‌باشد اما او فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.

با انتصاب پیامبر گرامی اسلام و ابلاغ دین مبین اسلام بر مردم؛ مسأله ارسال رسل و تکمیل دین پایان یافت و پیامبر اسلام با تحمل رنجها و مشقات بسیار در طول ۲۳ سال نبوت خویش توانست اساس هدایت انسانها را بر ارکان دین اسلام استوار سازد.

اما همیشه یک سؤال مطرح بود:

با پایان یافتن ارسال رسل تطبیق احکام اسلام با شرایط زمان‌های بعد چگونه امکان‌پذیر است؟

این چنین است که رکن دیگر هدایت یعنی امامت جلوه‌گر می‌شود و در اصول دین اسلام قرار می‌گیرد پیامبر گرامی اسلام با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون مسأله مهم امامت بعد از خود را مطرح می‌کند؛ آیه تطهیر را هر روز بر درخانه حضرت علی علیه السلام می‌خواند - حدیث کساء را می‌گوید - مباحله را با حضرت علی علیه السلام و فاطمه (س) و حسنین انجام می‌دهد - حضرت علی علیه السلام را جانشین خود در هنگام جنگ می‌نماید و به این ترتیب هدایت انسان در خاندان منور حضرت علی علیه السلام قرار می‌گیرد.

ائمه اطهار علیهم السلام ضمن پاسخ به سؤالات مسلمانان پیرامون احکام اسلام و مقتضیات زمان، شاگردانی را تربیت نمودند که شعاع نورانی هدایت را که از ائمه معصومین علیهم السلام نشأت می‌گرفت در سراسر جهان اسلام پراکنده نمایند. این شاگردان تربیت شده مکتب ائمه اطهار علیهم السلام در حقیقت حاملان نور، جانشینان فقهی، معصومین علیهم السلام در زمانها و مکانهای گوناگون بوده‌اند، در حدیثی از امام محمدباقر علیه السلام خطاب به یکی از شیعیان است که: دوست دارم تو در مسجد بنشینی و به سؤالات مردم پاسخ دهی. این چنین است که امامان بزرگوار برای نشر اسلام عزیز در جایی که خود نمی‌توانسته‌اند حضور داشته باشند از افراد با ایمان و موثق برای اشاعه عقاید بر حق اسلام بهره می‌بردند. به این ترتیب مسأله قرار دادن نایب و جانشین برای حل مشکلات و مسایل مردم امری عادی در میان تمام ائمه اطهار علیهم السلام بوده است و مسأله نواب اربعه

از این به بعد بسیار طبیعی به نظر می‌رسد. به هر حال طبق حدیث (زمین هرگز از حجت خداوند خالی نخواهد بود).

و امام زمان علیه السلام آخرین خورشید امامت و حجت خداوند در میان انسانها می‌باشند که انوار هدایت الهی را توسط نایبان خاص (نواب اربعه) و نایبان عام (رواة الحدیث) در میان مردم پراکنده می‌نمایند.

از تولد تا غیبت صغری

حضرت مهدی علیه السلام آخرین حجت حق و ذخیره الهی برای رساندن انسان به اوج مقام الهی خویش در ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هـ ق در شهر سامرا هنگام طلوع فجر متولد گردیدند. بعد از تولد بر روی زمین سجده کرده و ظهور خویش را از خداوند متعال خواستار شدند.

پدر ایشان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین پیشوای مسلمانان و مادر گرامی ایشان نرجس (س) شاهزاده‌ای از میان رومیان بود و حضرت مهدی علیه السلام حدود ۵ سال تحت سرپرستی پدر و مادر گرامیشان به صورت مخفی زندگی کردند، چرا که دشمنان امامت (بنی‌عباس) می‌دانستند که فرزند امام یازدهم همان مهدی موعود است که ریشه ظلم و ستم جهانی را به یکباره برخواهد چید.

به همین دلیل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را مدت‌ها در پادگانهای ارتش تحت نظر قرار دارند و سپس ایشان را در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هـ ق به دستور معتمد عباسی (چهاردهمین خلیفه عباسی) به سن ۲۸ سالگی و در شهر سامرا به شهادت رساندند و به این ترتیب مقام امامت به حضرت

مهدی علیه السلام که تنها ۵ سال داشتند منتقل گردید.

براساس اسناد تاریخی بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام برادرش جعفر که ادعای جانشینی ایشان را داشت هنگامی که برای اقامه نماز میت بر جنازه مطهر امام حسن عسکری علیه السلام حاضر شد ناگهان پرده گوشه اطاق کنار رفت و کودکی که صورتش مانند ماه شب چهارده درخشان بود به او گفت: عمو کنار برو که من براین کار اولی‌تر هستم. و این لحظه؛ زمانی است که بر مسلمانان معلوم می‌گردد حضرت مهدی علیه السلام متولد گردیده و اکنون مقام امامت را برعهده گرفته‌اند، اما به دلایلی چند به امر خداوند متعال حضرت مهدی علیه السلام به مدت ۶۹ سال (۳۲۹-۲۶۰ هـ ق) از انظار مردم غایب شده و در طی این مدت به وسیله چهارتن از افراد امین و موثق خویش که به نواب اربعه مشهور می‌باشند با مردم ارتباط داشته و مسایل و مشکلات آنها را حل کرده و احکام اسلام را برای عموم اعلام می‌نمودند.

این دوران در میان مسلمانان به غیبت صغری مشهور گردید چرا که مدت آن (۶۹ سال) نسبت به غیبت حضرت از سال ۳۲۹ هـ ق تا کنون کوتاه به نظر می‌آید.

اسامی نواب اربعه عبارت است از:

۱- عثمان بن سعید عمروی

۲- محمد بن عثمان

۳- حسین بن روح نوبختی

۴- علی بن محمد سمري

«اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجة

علیکم وانا حجة علیهم.»

اما در حوادثی که رخ می‌دهد (در زمان غیبت) پس مراجعه کنید به محدثین ما که آنها بر شما حجت هستند و من بر ایشان حجت می‌باشم.
(حضرت مهدی علیه السلام)

الف - عثمان بن سعید عمروی (۲۶۶-۲۶۰ هـ ق)

نام اصلی او ابو عمرو عثمان بن سعید عمروی بوده است که به دستور حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و با استدلال این که نباید اسم عثمان و کنیه ابو عمرو در یک فرد جمع باشد؛ نام خود را به عثمان بن سعید عمروی تغییر می‌دهد.

از زمان تولد این بزرگوار اطلاع دقیقی در تاریخ ثبت نشده است اما در روایت است که ایشان در سن یازده سالگی در خدمت حضرت امام هادی علیه السلام و از اصحاب مورد اطمینان و امین ایشان بوده‌اند. بعد از شهادت مظلومانه حضرت امام علی النقی علیه السلام و انتقال امامت به فرزند ایشان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام عثمان بن سعید هم در جرگه اصحاب وفادار آن حضرت وارد می‌گردند.

از آن جا که دوران زندگی و امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در مراقبت و حفاظت شدید خلفای بنی عباس قرار داشت و ارتباط میان شیعیان و آن حضرت زیر نظر مأموران خلیفه بود؛ عثمان بن سعید در دوران امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در پوشش روغن فروش بین آن حضرت و شیعیان ارتباط برقرار می‌کردند و به همین دلیل ایشان را سمان هم می‌گویند. سختگیری و آزارها و اذیت‌های معتمد عباسی به شیعیان و حضرت امام

حسن عسکری علیه السلام نحوه مبارزه آن حضرت با خلیفه جور را در شرایطی قرار داده بود که نقش و میزان تعهد افراد تنها وسیله اتصال به نور هدایت و امامت محسوب می‌گردید و عثمان بن سعید در این شرایط با رساندن پیام امام به شیعیان و بالعکس؛ بالاترین نقش و میزان تعهد را به نمایش گذاشت.

بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام (۲۶۰ هـ.ق) و آغاز دوران انسان‌ساز غیبت صغری؛ عثمان بن سعید به عنوان اولین نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام برگزیده شد و با توجه به تلاش گسترده مأموران خلیفه عباسی برای پیدا کردن حضرت مهدی علیه السلام فعالیت بسیار زیادی را برای ارتباط شیعیان با مولای خود به انجام رسانید و تمام این کارها در قالب فروش روغن توسط آن بزرگوار صورت پذیرفت.

مدت نیابت عثمان بن سعید به صورت دقیق مشخص نمی‌باشد ولی آن چه مسلم است عثمان بن سعید در زمانهای حضور امامان، حضرت امام هادی علیه السلام و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام؛ آن بزرگوار نیابت ائمه اطهار علیهم السلام را برعهده داشته است و در بعضی از منابع مدت نیابت عثمان بن سعید را یک سال ذکر نموده‌اند.

عثمان بن سعید دارای فرزندی به نام صمد بود که بعد از او به دستور حضرت مهدی علیه السلام به نیابت رسید و یکی از نواب اربعه گردید. محل دفن عثمان بن سعید در شهر بغداد خیابان میدان (سمت غربی بغداد) در ابتدای محله معروف جنب دروازه حبله در مسجد کنار دروازه واقع شده است. قبله و محل دفن عثمان بن سعید یکی است.

عثمان بن سعید مورد اعتماد دو امام بزرگوار:

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

این ابوعمر و (عثمان بن سعید) هم مورد اعتماد امام گذشته است و هم مورد اعتماد من، چه در حیاتم و چه بعد از وفاتم.

امام هادی علیه السلام فرمودند:

این ابوعمر و (عثمان بن سعید) متقی و امین است هر آنچه به شما می گوید از جانب من می گوید و هر چه به شما می رساند از جانب من است.

امام حسن عسکری علیه السلام در جمع گروهی از مردم یمن فرمودند:

ای عثمان به درستی تو وکیل و امین مال خدایی؛ برو و اموالی را که آورده اند از اهل یمن قبض کن.

ب - محمد بن عثمان (۳۰۵-۲۶۶ هـ ق)

بعد از وفات عثمان بن سعید نایب اول حضرت مهدی علیه السلام نامه ای از طرف آن عزیز به فرزند عثمان بن سعید رسید:

«أنا لله وانا اليه راجعون»

«تسلیمایا لامره و رضاً بقضائه و عاش ابوک سعیداً و مات

حمیداً فرحمه الله و الحقه باولیائه و موالیه علیهم السلام فلم یزل

فی امرهم ساعیاً فیما یقر به الی الله عزوجل و الیهم نصرالله

وجهه و اقاله عشرته و اجز الله لك الثواب و احسن لك القراء

ورزیت و رزینا و اوحشك فراقه و اوحشنا فسوة الله فی منقلبه

وكان من کمال سعاده ان رزقه الله و لذا منك یخلفه من بعدو

يقوم مقامه بامرہ و يترحم عليه و اقول الحمد لله فان الانفس طيبه
بمكانك و ما جعله الله عزوجل فيك و عندك اعانك و فراك و
عضدك و وفقك و كان لك ولياً و حافظاً و راعياً.»

به درستیکه ما از خداییم و بازگشت ما به سوی اوست.

که تسلیم شدیم به امر او و راضی شدیم به قضای او، پدر تو با سعادت و
نیکبختی زندگی نمود و وفات یافت در حالی که پسندیده بود، خدا او را رحمت
کند، و ملحق کند او را به اولیاء و سادات او علیهم السلام که همیشه در امر ائمه
اطهار و دین سعی کننده بود در آن چیزهایی که موجب تقرب او به سوی
خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم السلام بود. خداوند روی او را تازه نماید و سختی او را
کم کند و اجرا ترا زیاد نماید و صبر نیک در مصیبت او به تو عطا فرماید. تو
مصیبت زده شده‌ای و ما هم مصیبت زده شده‌ایم و مفارقت پدرت ترا و ما را
ناراحت ساخته است پس خداوند او را به رحمتش در قبرش که آرامگاه
اوست مسرور سازد.

از کمال سعادت پدرت آن که مثل تو فرزندی را خداوند به او عطا فرمود
که خلیفه و قائم مقام او باشی و به امر او ترحم نمایی و طلب آمرزش کنی از
برای او، من می‌گویم سپاس خدای را که قلوب شیعیان نیکو و مسرور شده
است به مکان و منزلت تو در آن چه خداوند در نزد تو قرار داده است و حق
تعالی ترا یاری فرماید و قوت به تو بدهد و تمکن فرماید ترا و توفیق به تو عطا
فرماید و تو را حافظ و نگهبان باشد.

به این ترتیب محمد بن عثمان به عنوان نایب خاص امام زمان علیه السلام انتخاب
گردید و به جای پدر عهده‌دار امر ارتباط میان شیعیان و حضرت مهدی علیه السلام

شد. در منابع تاریخ اسلام ذکر شده است که محمد بن عثمان حتی در زمان حیات پدر بزرگوارش هم نایب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام بوده‌اند.

محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی می‌گوید: بعد از وفات عثمان بن سعید نامه‌ای از طرف امام زمان علیه السلام به این مضمون برای من آمد: خداوند پسر او را حفظ کند او در زمان پدرش مورد اعتماد ما بود. خدا از او و پدرش خشنود باشد و روح پدرش را شاد کند. پسرش نزد ما مانند اوست و در جای وی نشسته است آن چه از ما بگوید گفته ماست و به فرمان ما عمل می‌کند خداوند او را تأیید کند پس گفته او را قبول کن و نظر ما را درباره او بدان.

شیعیان نیز به اتفاق، عدالت و امانت و وثاقت محمد بن عثمان را اذعان داشتند چرا که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام از طرف حضرت تصریح به امامت و عدالت او شده بود و مردم را امر به رجوع به او فرموده بودند. بعد از رحلت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و زمان حیات پدرش عثمان بن سعید نیز کسی درباره عدالت او اختلاف نظر نداشت و در خصوص امانت وی تردید نمی‌نمود.

نامه‌های حضرت امام زمان علیه السلام در امور مهم دینی در طول حیات وی با همان خطی که در زمان پدرش عثمان بن سعید صادر می‌شد به دست او صادر می‌گشت و به شیعیان می‌رسید. شیعیان جز او کسی را به نیابت نمی‌شناختند و به دیگری مراجعه نمی‌کردند علایم و کرامات بسیاری از او دیده شد و معجزات حضرت امام زمان علیه السلام به دست او آشکار می‌گردید و امور بسیاری از جانب امام علیه السلام به شیعیان اطلاع می‌داد که باعث بصیرت آنها

در خصوص وجود امام زمان می‌گردید.

محمد بن عثمان در سال ۳۰۵ هجری قمری اواخر ماه جمادی‌الاول وفات یافت در حالی که در ماه قبل از این روز توسط حضرت امام زمان علیه السلام از مرگ خویش آگاه گردیده و موظف شده بود که کارهای خود را جمع کرده و در اختیار نایب خاص بعد قرار دهد. محمد بن عثمان نزدیک به پنجاه سال نیابت خاص حضرت مهدی علیه السلام را عهده‌دار بودند قبر آن بزرگوار در شهر بغداد در سر راه دروازه کوفه قرار داد.

محمد بن عثمان (ره)

به خدا قسم حضرت صاحب‌الامر علیه السلام هر سال در مراسم حج در مکه است او مردم را می‌بیند و همه را می‌شناسند و مردم او را می‌بینند اما نمی‌شناسند. آن حضرت (حضرت مهدی علیه السلام) را دیدم که در باب المستجار پرده‌خانه خدا را گرفته و می‌فرماید پروردگارا! به وسیله من از دشمنانت انتقام بگیر. حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

محمد بن عثمان که خداوند از او و پیش وی از پدرش خشنود باشد مورد وثوق من است و نامه او نامه من می‌باشد.

ج - حسین بن روح نوبختی (۳۲۶-۳۰۵ هـ.ق)

محمد بن عثمان هنگامی که عروج خود به ملکوت را احساس کرد، به اشاره حضرت امام زمان علیه السلام ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی نصر نوبختی را پس از خود به عنوان نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام اعلام کرد. ام‌کلثوم دختر محمد بن عثمان نقل می‌کند:

حسین بن روح چند سال قبل از فوت پدرش، وکیل او بوده است و در امور او نظارت داشته و اسرار دین را از محمد بن عثمان به رؤسای شیعه می‌رسانده و از محارم او بشمار می‌رفته است.

علامه مجلسی (ره) در کتاب بحارالانوار روایت کرده است که در هنگام اختفاء محمد بن عثمان بن سعید، جعفر بن احمد بالای سر او نشسته و حسین بن روح در پایین پای او قرار داشت در آن حال محمد بن عثمان رو به جعفر بن احمد کرده و گفت که مأمور شده‌ام ابوالقاسم بن روح را وصی خود نمایم و امور را به او واگذار کنم، چون جعفر بن محمد این را شنید از جای خود برخاست و دست حسین بن روح را گرفته و در جانب سراء نشانید.

پس از وفات محمد بن عثمان و انتقال امر خطیر نیابت به حسین بن روح؛ ایشان به بغداد رفته و رسماً در محلی به نام دارالنیابه قرار گرفتند و بزرگان شیعه گرد او نشستند. در این هنگام خادم محمد بن عثمان یعنی ذکاء وارد شد در حالی که عصا و کلید صندوقچه محمد بن عثمان را به همراه داشت و چنین گفت: ابوجعفر به من سفارش کرده است تا این اشیاء را پس از مرگ وی به ابوالقاسم تحویل دهم و صندوقچه حاوی انگشترهای ائمه اطهار را تسلیم او گردانید.

اولین نامه حسین بن روح به تاریخ ۲۴ شوال سال ۳۰۵ هـ ق صادر گردید و به این شکل اداره امور شیعیان و مسلمین را در دوران غیبت برعهده گرفتند. در محبت خالصانه حسین بن روح به حضرت امام زمان علیه السلام؛ ابوسهیل اسماعیل بن علی می‌گوید: ابوالقاسم (حسین بن روح) اگر امام را زیر دامن خود پنهان داشته باشد و او را با قیچی ریزریز نمایند امام را آشکار نخواهد ساخت.

هنگام انتصاب حسین بن روح در شهر بغداد خاندان فرات حکومت می‌کردند که از پیروان مذهب تشیع محسوب می‌گردیدند و اکثر مشاغل حکومتی در اختیار آنها قرار داشت. تا زمانی که ابن فرات بر بغداد حکومت می‌کردند حسین بن روح به احترام کامل و عزت زندگی می‌کردند و خانه او محل رفت و آمد شیعیان، امرا، اعیان و وزراء بوده است، تا اینکه در سال ۳۱۱ ماه ربیع‌الآخر حامد بن عباس موفق شد آل فرات را شکست داده و بغداد را فتح کند.

حامد بن عباس بعد از رسیدن به قدرت فرمان مصادرهٔ اموال و حبس حسین بن روح را صادر کرد و مأموران حامد بن عباس، حسین بن روح را در سال ۳۱۲ هـ ق دستگیر و در زندان محبوس ساختند. ظاهراً اتهام اصلی حسین بن روح ارتباط با قرامطه بود که در این زمان بر سواحل اطراف خلیج فارس استیلاء یافته بودند و توانستند حکومتی قوی تشکیل دهند و به همین دلیل حسین بن روح را به امر مقتدر بالله به زندان افکندند.

هنگامی که حسین بن روح دستگیر و به زندان افتاد فردی به نام ابوجعفر محمد بن علی سلمغانی را به عنوان نیابت خود منصوب گردانید و ابوجعفر بین او و شیعیان رابط بود. اما به زودی انحراف فکری سلمغانی بر حسین بن روح مشخص گردید و نامه‌ای در لعن و عزل او از نیابت خود در زندان نوشته و برای شیعیان ارسال کرد.

در ارتباط با حوادث سال‌های زندان حسین بن روح اطلاع چندانی در دست نیست.

بالاخره در سال ۳۱۷ هـ ق یعنی بعد از گذشت ۵ سال حسین بن روح از

زندان آزاد گشت و به بغداد و خانه خویش بازگشت و با همان احترام و عزت سابق در بغداد زندگی می‌کرد و چون تعدادی از خاندان آل نوبخت در دستگاه عباسی به مقامات مهمی رسیده بودند کسی قادر به ایجاد و مزاحمت برای او را نداشت به خصوص آن که حسین بن روح در نزد مقتدر خلیفه عباسی و مادرش سیده در فهم و عقل یکتا جلوه‌گر شده بود.

در زمان خلافت الرازی بالله (۳۲۹-۳۲۲ هـ ق) هم کسی قدرت ایجاد مزاحمت برای حسین بن روح را نداشت و خلیفه برای او ارزش خاص قایل بود و به دلیل کثرت اموال شیعیان در نزد حسین بن روح ذکر او در دربار خلیفه و میان محافل گوناگون بسیار رواج داشت.

به تاریخ چهارشنبه ۱۸ شعبان سال ۳۲۶ هـ ق شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی به ملکوت اعلیٰ عروج کرد و او را در محله نوبختیه بغداد و در دربندی که خانه علی بن احمد بن علی نوبختی در آن جا بوده است به خاک سپردند. قبر مطهر آن بزرگوار هنوز در محل سابق نوبختیه در محله سوق العطار (بازار عطاران) قرار دارد.

د - علی بن محمد سمري (۳۲۹-۳۲۶ هـ ق)

چون زمان وفات ابوالقاسم حسین بن روح فرا رسید به امر حضرت مهدی علیه السلام؛ علی بن محمد سمري را به عنوان جانشین بعد از خود معرفی کرد. علی بن محمد سمري که برخی وی را سيمري می‌دانند فردی است که کرامات، معجزات و پاسخ مسایل شیعیان را حضرت امام زمان علیه السلام به دست او جاری می‌کردند و تمام اموال شیعیان از جانب علی بن محمد سمري به آن

حضرت واصل می‌گردید.

علی بن محمد سمري مدت ۳ سال نیابت خاص حضرت مهدی علیه السلام را در زمان خلافت غاصبانه الراضی بالله خلیفه عباسی برعهده داشتند و در این مدت حلقه ارتباط میان امام و شیعیان بودند و هیچکدام از شیعیان نسبت به عدالت و امانت ایشان تردید نداشتند.

چند روز قبل از وفات علی بن محمد سمري نامه‌ای از حضرت مهدی علیه السلام برای ایشان ارسال گردید که متن آن چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«یا علی بن محمد السمری اعظم الله اجراخوانک فیک فانک میت مابینک و بین سته ایام فاجمع امرک و لا توص الی احد فیقوم مقامک بعد وفاتک فقد وقعت الغیبة القامة فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالی ذکره و ذلك بعد طول الاعداء قوة القلوب و امتلاء الارض جوار و سیاتی من شیعتی من یدعی الشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کذاب مفتر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.»

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای علی بن محمد سمري خداوند پاداش برادران دینی ترا در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد همانا تو از اکنون تا شش روز دیگر خواهی مرد پس کار خود را فراهم کن و درباره نیابت و وکالت بر هیچکس وصیت مکن تا به جای تو بنشینند، زیرا غیبت کبری واقع گردد و من ظهور نخواهم کرد مگر به فرمان خدای تعالی، و آن پس از مدت درازی خواهد بود که دلها را سختی و قساوت

فرا گیرد و زمین از ستم و بیداد پرگردد، به زودی از شیعیان من کسانی می آیند که ادعای دیدن مرا می کنند، بدان هر کس که پیش از خروج سفیانی و برآمدن فریاد الهی از آسمان مدعی دیدن من شود دروغگو و مفتر است. نیرو و قدرت تنها برای خداست.

ابومحمد احمد بن حسن المکتب گوید ما از این نامه نسخه برداشتیم و چون روز ششم شد او را مرگ فرا رسید در هنگام احتضار از او پرسیدند که وصی و جانشین تو کیست؟ فرمود: لله امر هو بالغه و قضی «خدا را امری است که باید آن را به اتمام رساند» این سخن را بگفت و درگذشت. (شعبان ۳۲۹ هـ ق)

قبر مطهر او در شهر بغداد در خیابان معروف به الخلنجی از میدان دروازه محول است که در کنار نهر آب عقاب قرار دارد.

بعد از وفات چهارمین نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام که به اشاره آن بزرگوار انتخاب شدند، واقعه عظیم غیبت کبری از سال ۳۲۹ هـ ق آغاز گردید و تا زمان حال ادامه دارد. در طول غیبت کبری حضرت مهدی علیه السلام نایب خاص نخواهد داشت بلکه هر کس برای احیای اسلام حرکت نماید و قدم در راه او گذارد نایب اوست که ایشان را نایب عام می خوانند.

حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی و احیاگر بزرگ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله از جمله این نایبان می باشند که خداوند متعال لیاقت درک حضور او را به مردم ایرانی ارزانی داشت و تداوم آن در مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای قابل مشاهده می باشد.

والسلام علی عبادالله الصالحین

منابع و مآخذ

- ۱- اخبار و کلاء اربعه - ابوالعباس احمد بن علی نوح سیرانی
- ۲- تاریخ اسلام - شمس الدین ذهبی
- ۳- تاریخ منتخب الدین - ابوزکریا یحیی بن ابی طی
- ۴- بحار الانوار - علامه مجلسی
- ۵- غیبت - شیخ طوسی
- ۶- منتخب الاثر - آیت الله صافی گلپایگانی
- ۷- کمال الدین - شیخ صدوق
- ۸- اصول کافی - مرحوم کلینی
- ۹- زندگی حضرت صاحب الزمان علیه السلام یا مهدی موعود - حسین عماد زاده
- ۱۰- دادگستر جهان - ابراهیم امینی